تاریخ تذکره هفت اقلیم

این نسخه کتاب بجز [illegible] تا [illegible] [illegible] تاریخ [illegible]

تصنیف امین احمد رازی است

۱۰۲۸



به عادت ای برادر هر کرا خو

به پیری کی شود از وی جدا خو

اگر صد سال دیگر عمر یابیم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بر بیرهٔ زر چهر جهان تاب چهر
بر دوده چشم بیالوده چهر

شبی تیره چون اژدهای سیاه
زمانی سیه گشته تا اوج ماه

[illegible] بر زلف خفته شاه
بدان تا شتابم بدان رزم خواه

[illegible]

[illegible]



به برادرش مجیر الدین [illegible] گوید

[illegible]

از [illegible] هر و هر روز ۱۱

در تاریخ دلاوران [illegible]

[illegible]

نبرد [illegible] کیوان گروه آهنگ
زده در دل چرخ اختر [illegible] چنگ

فکنده [illegible] کج رفتار خود کام
[illegible] و روان [illegible] تخت بهرام

سپه [illegible] ترک [illegible]
فتاده [illegible] آتش

[illegible]

[illegible] سعد و [illegible] باز کرده
[illegible] صندوق [illegible] باز کرده

[illegible]
گشوده [illegible] آب [illegible]

بریده تیر [illegible] راه
[illegible] تیر [illegible] سکه

[illegible]

[illegible]

نه ازنم علم ~~...~~ [illegible]
هم ازورو وجود ... [illegible]

چنین آمد ... [illegible]
... [illegible]

یاران ... [illegible] ... چون
... [illegible]

در صورا ... [illegible]
... [illegible]

در انبوه ... [illegible]
... [illegible]

ورد ... [illegible]
... [illegible]

بزرگان همه ... بر ... [illegible] | رضی که ... [illegible] ... راضه اوند
شنید ... فلک ... [illegible] | ببرج ... [illegible] ... رسید

بدر مجموع ... [illegible] | ... [illegible] ... سر فرازم
و ... [illegible] ... کدام | ... [illegible] ... زلف ایازم

نسخه ناجی با خط علی بن سلطان‌العلماء ... [illegible] در سال ٩٧٠ نوشته شده
... [illegible] ... شد

تذکره ... [illegible] ... ~~...~~
... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ص ۴۸۱ خاقان کبیر ابوالمظفر ... رقم شاه سلطان را . و در قصیده دیگری گوید : شهسواران بر رخش [illegible] عشق و جان [illegible] تخت ابوالمظفر خاقان [illegible] ص ۳۶۴

باز در قصیده دیگر خسرو شرق جلال الدین که برق [illegible] هفت چشم چرخ [illegible] شاه [illegible] ص ۳۸

[illegible] خاقان [illegible] فردوست [illegible] . و در یک ترکیب بند که احتمالاً [illegible]

ص ۱۸۶ گفته میگوید : چون منوچهر [illegible] خاقان [illegible] منوچهر است خاقان [illegible] و باز در بند دیگر میگوید :

۳

ص ۱۸۱ ابوالمظفر خداوند [illegible] . . . [illegible] از خسروان جلال الدین [illegible] در مدح منوچهر گوید :

ص ۴۹۵ جلال دولت و تاج ملوک فخر الدین سپهر مجد منوچهر شهریار افلاک [illegible] باز در توصیف خاقان گوید در یک قصیده خود [illegible] ص ۴۰۵

در [illegible] خاقان [illegible] : [illegible] منوچهر [illegible] در مدح منوچهر گوید [illegible]

ص ۴۳ خسرو سلطان نشان خاقان اکبر جلال . . . [illegible] . . . نام او چون اسم اعظم تاج الملوك [illegible]

حلقه سیم منوچهر است طوق [illegible] . نظامی در [illegible] گوید : صاحب [illegible] جلال [illegible] دولت و دین [illegible] ص ۳۱۹

تاج ملکان ابوالمظفر [illegible] شروان شه آفتاب [illegible] کیخسرو [illegible] خاقان [illegible]

[illegible] در صدف ملک منوچهر [illegible] منوچهر فخرالدین خاقان اکبر پدر جلال الدین ابوالمظفر [illegible]

کبیر خاقان است . [illegible] خاقان است [illegible] منوچهر [illegible]

[illegible] که نظامی لیلی و مجنون را نظم کرده است یعنی سال ۵۸۴ زنده بوده است . [illegible] منوچهر [illegible] ص ۴۹۵

ترکیب بندی است که در رثای [illegible] منوچهر [illegible] خاقان اکبر است . .

[illegible] ترکیب بند [illegible] منوچهر [illegible]

[illegible] شهزاده [illegible] منوچهر [illegible] خاقان) [illegible] منوچهر [illegible] .

[illegible] : [illegible] منوچهر [illegible] ۰)

باید دانست که صاحب [illegible] منوچهر را با خاقان یکی دانسته اند حتی آقای [illegible] زاده نیز در کتاب روابط

[illegible] صفحه ۲۳ [illegible] جمع کرده [illegible] قطع [illegible]

[illegible] منوچهر [illegible] فخرالدین خاقان اکبر بوده [illegible] خاقان جلال الدین ابوالمظفر خاقان کبیر

[illegible] خاقان [illegible] منوچهر است . [illegible] چنانکه از اشعار نظامی [illegible] خاقان [illegible]

[illegible] . [illegible] نظامی لیلی و مجنون را نظم کرده خاقان کبیر منوچهر [illegible] خاقان [illegible]

[illegible] کتاب [illegible] خاقان [illegible] شاهزاده منوچهر [illegible] صفحه

۲۲۱ چاپ تهران) میگوید [illegible] .

[illegible] خاقان منوچهر . [illegible] گوید : [illegible] شهزاده

[illegible] ملک خاقان [illegible] .

[illegible] زاده در روابط [illegible] صفحه ۲۳ [illegible] را در سال ۵۷۰ یا ۵۷۱ [illegible]

که [illegible] ابو [illegible] ابراهیم خاقان اول [illegible] ابوالمظفر

منوچهر خاقان [illegible] بوده [illegible] ۵۰۰ [illegible] ۵۸۴

[illegible] . . . .) [illegible]

[illegible] (منوچهر) بین ۵۳۴ و ۵۵۵ [illegible] ۶۰۱ [illegible] تهران ۱۳۳۴)

[illegible] منوچهر را بین ۵۲۴ و ۵۲۹ [illegible] .

[illegible] ابوالمظفر [illegible] ابراهیم خاقان

اول [illegible] منوچهر خاقان [illegible] ابوالمظفر [illegible] منوچهر است [illegible] جلال الدین [illegible]

[illegible] خاقان [illegible] ابوالمظفر [illegible]

[illegible]

ص ۵۲ [illegible] : [illegible] خاقان [illegible] ابوالمظفر خاقان [illegible]

ص ۶ [illegible] جلال الدین [illegible] خاقان [illegible]

۱– انتخاب قصاید خاقانی در مدح خاقان اکبر فخرالدین منوچهر بن کسران و پسرش جلال الدین ابو المظفر اخستان
بوده و برای هر یک ترکیب بندی پرداخته

— سلسلهٔ شروان شاه علی بن الهیثم از پادشاهان شروان شاه است که ظاهراً از سنه ۲۶۰ تا ۳۳۲
سلطنت کرده است — در دوائر روسی انگلیسی صفحه ۶

— برخی از امرای سلسلهٔ شروانشاهان را) یک رقم فی داد حمید خسرو اول شروان (۵۳۱ – ۵۷۹ میلادی) ترسیم کند
خاقانی ظهیر الدین فاریابی دیوان ... دراز و طبرستان را (صفحه ۳۷ – ۳۸) در مورد ذکر سلطنت [illegible]
بعضی ... فریدون ... که بعد از ... (عموی نوشیروان و برادر قباد که در ... سلطنت ... بود
و ... از سنه ۴۹۶ تا ۴۹۸ میلادی سلطنت نمود) ... حکمرانان در دولت تبریز و دربند
و ... گرده خیالند که ... برادری ... بهرام نام داد ... که جد خاقان
شروان است ... (حوالی سنه ۸۸۱) اولاد او حاکم آن ولایت شدند) ... (صفحه ۳۸) در چون ایام
حیات ... فریدون ... رفت ... دیگر ... (مستقلاً اقوام ...
... که ... تا ... مردی ... که حلقه ... وحشت ... دل او ... (دارای ... در باب
سلسله شروانشاهان ... کتاب ... تاریخ شروان ... و در آنجا ذکر سلطنت ...
از آن سلسله ... که ... شروانشاه فرخ یسار (۸۶۷ – ۹۰۶) ... شاه اسمعیل اول صفوی گردید
(۹۰۶ – ۹۳۰) ... برهان الدین ... سلطان ... در سنه ۹۵۴ ... میرزا ...
... سلطان ... در سنه ۹۵۵ شاه طهماسب اول ... القاص میرزا ...
... شروان ... که از طرف شاه طهماسب ... کرده ... دولت ... ایران در سنه
۹۵۷ ... سلسله ... شروانشاهان ...
دوائر روسی و انگلیسی حاشیه ص ۱۲

صاحب تذکرهٔ هفت اقلیم در ترجمهٔ حال ... راجع به شهر شروان شاهان چنین می‌نویسد :
و قاضی ابو سعید عبدالله بیضاوی در نظام التواریخ آورده که ملوک شروان از نسل بهرام
چوبینه‌اند ... اما قاضی احمد غفاری در تاریخ جهان آرا
آورده که نسب ایشان با انوشیروان می‌پیوندد و بعضی برآنند که ... ؛
ابو المظفر منوچهر بن کسران ... کتاب ... فرامرز ...
... چون ... شروان و بعد از منوچهر ... اولاد وی
در شروان حکومت کرده‌اند ... که ... بعد از منوچهر ...
... مسند حکومت ... چون ... حکومت ...
... بر مسند حکومت ... و از عقب او ... خلیل ...
... حکومت ... ایام ...
و ... شاه ... و در ...
و در ... وفات یافت سلطان ... بعد از پدر بر تخت ...
... سلطان ... است ... صداقت ...
... صاحب قران ...
شروان ... جمیع شروان ... و در ...
... خروج کرده ...

در نهصد و شصت و هفت [illegible] را استقبال نموده و شیروانشاه المشهور فرخ یسار [illegible] سلطان
سلطان صفوی برادر [illegible] وارث ملک گشت و شیروانشاه شیخ ابونصر است در عهد او سلطان
ابوسعید از خراسان [illegible] لقصد تسخیر آذربایجان آمده در قراباغ قشلاق نمود و همه امرای شیروانشاه و طوایف
ملاقات می‌برد جز [illegible] امیر علیق و [illegible] بود و [illegible]
و [illegible] حسن بیک [illegible] برادر [illegible] ویران [illegible] کردید
چنانچه ابن نصر که وقتی ابوسعید گفته شاه ازان بطلب خبر رسید [illegible] از حسن [illegible]
تاریخ شیروانشاه است و چون [illegible] صوفی نقدی و [illegible]
[illegible] در نهصد و [illegible] شاه اسمعیل صفوی کشته گردید بعد از او [illegible] فرخ یسار
[illegible] بعد از [illegible] در نهصد و [illegible] فرخ یسار
[illegible] بعد از [illegible] شاه [illegible] ابراهیم
[illegible] شاه [illegible] فرخ یسار [illegible] در نهصد و [illegible] بعد [illegible]
شاه طهماسب صفوی [illegible] در نهصد [illegible] سلطان
[illegible] شاه [illegible] شاه طهماسب [illegible]
[illegible] در نهصد و [illegible] تاریخ
[illegible] سلطان فرخ [illegible] شاه [illegible] شاه طهماسب
[illegible] شیروان [illegible] در نهصد و [illegible]
بعد از [illegible] گردید

راجع به [illegible] ۱۹

[illegible] اسم شیروانشاه ابراهیم ابراهیم است [illegible] گفته ابوالحسن
[illegible] ابراهیم [illegible] اگر [illegible] باشد که [illegible] والله اعلم
[illegible] راجع [illegible]
ابراهیم ناصر الدین [illegible]
[illegible] سلطان [illegible] ص ۱۲۷
[illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible] ([illegible])

[illegible] ص ۱۷۶

[illegible] جلال الدین [illegible] ([illegible]) [illegible]
[illegible] ص ۱۳۸ [illegible]
[illegible])

[illegible] بهرام [illegible]
[illegible] شاه [illegible] آفتاب [illegible]
[illegible]
[illegible] شاه [illegible] جلال الدین [illegible] ۱۹۱ جلال الدین [illegible]
[illegible] ص ۱۳۸ [illegible] سلطان [illegible]
[illegible]
[illegible] شاه [illegible] ص ۳۱۹

در یک کتاب عکس که توسط ... قبل نوشته شده در احوالات تاریخ دنبلی ؛ در صفحه ۱۱۰ می نویسد : که خاقانی را اتابک نوچهر برسم رسالت پیش جعفر نسب الملک فرستاد . جعفر نسب الملک با ... که از اجداد دنبلی ها بوده در خوی حکومت داشت در ۵۵۵ وفات کرده است .

و باز در صفحه ۱۷۷ می نویسد نسب الملک با نوچهر شروان شاه مصاحب بوده و چند دفعه حکیم خاقانی را برسم سفارت پیش نسب الملک آورده است قصیده در مدح نسب الملک در دیوان خاقانی است .

و در صفحه (۱۸۳) این قصیده خاقانی را در مدح نسب الملک ثبت می نویسد :

بخ بخ ای تخت ... دلدار   هم وفادار هم جفا بردار .

در این قصیده خاقانی از خوی تعریف میکند و از نسب الملک نام میبرد .



ادبیات اقوام (؟)

نخستین غزل (؟)

از اقوال حکیم ثنایی است و حکیم را بر اعتقادات بغرط برده و در اشعار خود ... کرده ... بی‌نظیر این قصیده گفته است : نثر پیش چو خورشیدوده تاریکی تیر که به لمعه از خاطر ...

اگه در چشم خردمندی دوره گرش نخن   پیش از انداره صد قش لیکان ... تیر

گر بر از وصف کند برگ فراز (افرازنا؟) اینی   برگ نرینی شروار ... او در ...

آنچه از نکرش عشق تو براورد که نظم   سه عمر ... رد صدف ابر مطیر

سنی اندر ... حرف حلت ... چنانکه   ... روشنی اندر سینه جسم بصیر

مهر ... که ... را قصیده است که ... نوع ... خواند اگرکی ... و دانه که ... اندر ... چنانچه ... این ابیات از آن قصیده است

ای طرب ... و جان ... وفا دار   ماه ... ای ... و دیدار ...

بر ... تو جان ... که ...   ... برخ چون ...

دلبر نازک ... ز ... کم ...   آنچه تا ... زعشوه خونخوار ...

ابر ... تو ... لیک ... افروز   ... قمر ... بیدار

از قصیده ... او

صدر دنیی ... که سپهر   همه بنده ... دار ... اخترچرخ ... افزاوست

اختر روز ... افزاوست   ... که ... راه ... اب

[illegible]

قطران

صاحب تذکره بعث [illegible] فرید که رشید وطواط گفته که من در روزگار خود قطران را در شاعری
مسلم میدانم و باقی را شعردانان از راه شعر نه از طبع . قصاید نیکی در نعت اوست
که بنام امیر محمد بن قماج والی بلخ است [illegible] و در مدح ملک [illegible] و ایام شیوخ [illegible]
خراسان زمانه که شرح وطن ، اول بدو در یکی از شهرهای عراق با ابو الفضل [illegible]
و شعر با از روی [illegible] کرده ساخت . این چند بیت از قصیده ایست که در مدح یکی از
طاهر این مرزبان گفته : بادا فرخ [illegible] یکدو بیان بوستان
ولی از این او [illegible] و خجسته [illegible] یکید : واورا چند قصیده است که هر یک غزال [illegible]
و غزال [illegible] بدیعت [illegible] از این ابیات که [illegible] کتاب [illegible]

از [illegible] که [illegible] | گر [illegible] | صبح [illegible] | [illegible]
ای جان [illegible] | از [illegible] | که [illegible] | [illegible]
ای جان [illegible] | [illegible] | هر [illegible] | چون [illegible]
قلم [illegible] | [illegible]

ترجیع

اگر [illegible] | [illegible] | [illegible] | که [illegible]
[illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible]
[illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible]
رفت [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible]
[illegible] | [illegible] | صد [illegible] | [illegible]

شیشه زان شیشه زر بشکند زد   با تو این شیشه را بشکند زد   چون در تک شیشه بر [illegible]   [illegible] شیشه [illegible]
در شکست شیشه بشنو کو چه گفت   تا با تو گفت [illegible] شیشه در شکست   در جنون دیوانه را دیگر [illegible]   [illegible] شیشه را [illegible]
شیشه گر با آنی تو با ما چه گفت   دور از آن دیوانه دیگر گفت   تنگ گشت و بانگ بر دیوانه زد   [illegible] را [illegible] زد
آن تخم دیوانه از من چون شنید   بر جنون افزون [illegible] دید   گفت کار [illegible]   در [illegible] خاطر [illegible]
و بچه گردم بیا [illegible]   شیشه را [illegible]   هست [illegible] شیشه   هست [illegible] اندیشه
چه خطا [illegible]   [illegible]   [illegible]   [illegible]
چون [illegible]   [illegible]   در شکست [illegible] دیوانه [illegible]   بر سر هر شیشه چون پروانه [illegible]

چنان با خم زلفم بند و بیان   برای دوستان جنت و جنان   که با تو چون [illegible]   هست از [illegible]
چنان روشن [illegible]   که با [illegible]   اگر دارد [illegible]   [illegible]
چنان [illegible]   [illegible]   که [illegible]   [illegible]
چنان از [illegible]   [illegible]   [illegible]   [illegible]

ذکر امیر خسرو دهلوی — تذکره هفت اقلیم

امیر خسرو از امرازاده بلخ بوده پدرش که امیر لاچین نام داشت بنا بر انقلاب روزگار [illegible] بهند داده و [illegible] در ایام [illegible] شاه [illegible] امیر خسرو با جمعی دیگر روانه [illegible]

— — — — — — —

ذوق و [illegible] کتاب شعر است که در [illegible] نقل آورده اند [illegible] شعر او [illegible] اول [illegible] بدین ترتیب است خمسه ۱۸۰۰۰ بیت تغلق نامه سه هزار بیت عشقیه چهار هزار بیت قران السعدین چهار هزار بیت ~~مطلع الانوار چهار هزار بیت~~ نه سپهر چهار هزار بیت



علمای شهر ری

(صاحب تذکره هفت اقلیم می‌نویسد: اکثری از مخبران صادق و شیخ کمال‌الدین برادر [illegible]
که علمای خراسان و شهر ری [illegible] است و اعتقاد بعضی اینست که علمای شهر ری غیر از علمای خراسان [illegible]
[illegible] و تذکره [illegible] علمای [illegible] شیخ الاسلام [illegible] علمای شهر ری [illegible]
[illegible] شهر ری [illegible]
[illegible] شهر ری [illegible] سمرقند و بغداد [illegible]
[illegible] دارد [illegible] علمای [illegible]
[illegible] سلطان طغرل [illegible]
[illegible]

[illegible] طغرل است

[illegible]

[illegible] وخواب و [illegible]

[illegible]

[illegible] که صاحب هفت اقلیم به علمای شهر ری [illegible]
[illegible]
[illegible]


مجلس شورای ملی

نظامی گنجه‌ای اندر وصف اقلیم

مخزن الاسرار که نظامی در اشعار به نام سلطان بهرامشاه گردانیده به این جهت [illegible] تقدیم کرده
نه چنانکه زعم بعضی است که آن بهرامشاه غزنوی بوده بهرامشاه [illegible] و این در [illegible] که
آن بهرامشاه [illegible] این زاده به سکه روی [illegible] . [illegible]
حدیقه است که به نام بهرامشاه غزنوی گفته و دیگر مخزن که به نام ملک بهرامشاه روی [illegible]
و بهرامشاه روی از طبقه ملوکی است که سلاطین سلجوقیه [illegible] بوده اند الجمله طایفه [illegible]
منگوجکیه اند که حاکم ارزنجان و کماخ و کوغونیه بعضی از دیار بکر و ارزن الروم بوده اند و قصه آن
چنان است که سلطان الب ارسلان منگوجک غازی را که از جمله خدم سلطان [illegible]
الروم [illegible] بود به [illegible] حاکم [illegible] ساخت و اولاد او [illegible] در آن
در آن ملک حکومت راندند و چون حکومت آن ملک به بهرامشاه رسید که پدر داود و نبیره منگوجک
غازی بود دولت او روی در ارتفاع نهاد تا حدی که سلطان قلیچ ارسلان سلجوقی پادشاه روم دختر خود
بدو داد و بهرامشاه بنیاد کرم و عطا است بود چنانکه از اشعار [illegible] عروس [illegible] واقع شده
که از وجود آن [illegible] عطیات و صلات [illegible] در جایزه مخزن الاسرار که [illegible] که
پنج هزار [illegible] و [illegible] قطار استر [illegible] و انواع اقمشه جهت [illegible] فرستاد .

مخزن الاسرار نظامی

راجع بتاریخ تألیف مخزن — در یک نسخهٔ خطی نفیس متعلق به آقای حاجی ذکاء الدوله محفوظ در سال ۹۸۷
که یک نسخهٔ نفیس ... و در این بعض ابیات ... در این بیت چهارم که خطاب به حضرت رسول میکند
چنین میگوید: ای علی ... میدان فرست ... بر در سلطان فرست . ماه که جسم و لیکن ...
(۱) در نسخهٔ (بروجرد؟) ماه دو هم سلیمان تو ... شب پره ... در ... پس چو ... بانو ... ی
که زن این کم ... . بانصد و پنجاه و نه از ایام خواب . روز بلندست بمجلس شتاب [illegible] را
۵۸۰ . زد (۲) ... در ... را .
(مطبوع در بمبئی) در نسخهٔ چاپ طهران ۱۳۱۴ ها بانصد و ... از ایام خواب . . . . .
و در یک نسخهٔ خطی که در تاریخ ۱۲۳۱ نوشته شده با خط بد ... تاریخ ... ب (۱) و در دو نسخهٔ خطی ۱۲۶۹ : بانصد و ... از ایام خواب
بانصد و ... از ایام خواب . . . . .
در نسخهٔ حاجی ذکاء الدوله تاریخ اتمام کتاب را چنین می‌نگارد که ... (برخی نسخ)
بو حقیقت ... پانصد و هفتاد ربیع ... . و در نسخهٔ خطی ... :
بو حقیقت ... بیت ... از که ... پانصد ...
... ببرد ... آخر ... ختم ... ... و ...
بیت ... : ... نخستم ... [illegible]
و در یک نسخهٔ دیگر خطی ... تاریخ ... از ... تاریخ
اتمام کتاب ... . ان رسید ... این نسخه
چون ... راجع بتاریخ ... ذکر شد .

(۱) در نسخهٔ خطی ... ... : بانصد و ... در سنه
بانصد و ... از ایام خواب . روز بلند است بمجلس شتاب

دو نسخه خطی نظامی خان نزد اینجانب هم کتاب چاپی نیز دارد و تاریخ ندارد.
دو نسخه خطی ۱۲۶۸ نزد اینجانب هم کتاب چاپی نمره ندارد تاریخ ندارد.

~~خمسه نظامی~~ مخزن الاسرار

این کتاب بنام بهرامشاه بن داود بن منکوجک گفته شده است (رجوع بصفحه ۴۷)
شرح حال بهرامشاه چندان روشن نیست. بعضی از نظامی‌شناسان شرح حال او را بعضی از نظامی نوشته است
که ترجمه حال شش صفحه بطرز تایید در حفظ بهرامشاه نگاشته‌اند. در تاریخ جهان آرای قاضی احمد غفاری کاشانی
گوید که اتابک ارسلان در زمان مرحمت از خود روم قدرت کمال و کمالیه بدین الدین ارزنگان را
منکوجک مالک و امیر منکوجک را برای اولاد او یادگار گذاشت. بعد از او دیار او با سکوت داده و اولاد او بجا
بود که کتاب مخزن را بجهت فخرالدین بهرامشاه بن داود بن منکوجک برشته نظم کشیده و در زمان که
دارالملک او برد قرباً کاو دان سلطان مجلد دنیا بر زر سرخ : پنج سر استر قیمتی برای او صله فرستاد.

صاحب راحة الصدور محمد بن علی بن سلیمان راوندی در ذیل حالات طغرل بن محمد در صفحه ۲۱۶ چاپ لیدن
نقل از نسخه قدیم بمدح سلطان کیخسرو بن ملج ارسلان ۶۰۰ - ۶۰۹ نموده و در مدح او
میگوید که امیر بهرامشاه با قدرت و شوکت و مال خود جمع مردان برد و خیانتکار قربانی غیرت او را بر شهر ترکیه
بر حضرت او در برابر نهد و اقتدار نکرد و از رجا بیرون (ببینید صاحب کتاب است) : (جاوید که از این برده از او
که سلطان را و اطلاعات تاریخ قصه بردن حسد و فرح آفتی زاید که از دوری حسد پای از قله تند کی
بیرون نهد لشکری از آن جهت بیچاره نماید و بر شمشیر تیغ شجیع کار نکند او شهریار کارگاه کند رکاب آورده
علاوه سخن ما سپردن نشنید و مژده دولت و دنیا بصیرت بینید که گفت و شکوه او دار الملک جاوید باب
دیر سفیدالاکبیر عالم عادل مرد مظفر ستون فخرالدین ناصرالاسلام ملک الامرا بهرامشاه غازی دولتخانه
امیر از غازی طاهر شد که حال فراگرد و در اتحاد صلح با ملکان کرشیه خود را در جامه مزید و جامه و دولت ایشان اخلاق
و جهان دریان نهاد تا گلو حشم بماند و دولت و از خدم با زاب شد و براحوال ایشان وقف شود کنش
دروش ایشان ببیند و از راه ورسم لشکر بپرسد و اندر شست و نشست کار فرنگ و بروزی کار گی
منقلب الی القلب ... دولت اسماعیل مقصود مقصود شاه کند.

(و در حاشیه راحة الصدور (مرحوم اقبال) مصحح کتاب نوشته‌اند : ملک فخرالدین بهرامشاه در روزگار غیاث الدین کیخسرو و رکن الدین سلیمانشاه، صاحب ارزنجان بوده است وی داماد سلیمانشاه بود و در حدود سنه ۵۹۹ همراه او بغزو ابخاز رفت و با فوجی از حشم خویش بدست دشمن اسیر گشت .)

عبارات صاحب راحة الصدور تا اندازه‌ای مبهم و پیچیده است و مطلب روشن نیست . از آن [illegible] که فخرالدین داماد که بوده . اگر قرائن خارجیه در دست نبود ممکن بود تصور کرد که مقصود مولف داماد سلیمانشاه است . ولی عبارت اخیر میرساند که داماد غیاث الدین مقصود است . و ثانیاً [illegible] ابن [illegible] . . . . .

بهرامشاه غازی در سلطنت [illegible] و ابخازیان [illegible] که [illegible] فدا کرد . . .

چون تاریخ وفات سلیمان در ششصد اتفاق افتاده و غیاث الدین در ششصد و یک بسلطنت رسیده بدان مناسبت میتوان گفت که بهرامشاه در خدمت غیاث الدین فداکاری کرده . در صورتیکه مرحوم اقبال این قضیه را در ۵۹۹ زمان سلطنت سلیمانشاه میدانند . و ثانیاً معلوم نمیشود که [illegible] خود [illegible] بدست دشمنان اسیر و در دست آنان [illegible] .

در تاریخ [illegible] (ج ۱ و ۳ جلد اول صفحه ۳۰۷) راجع بتاریخ سکه‌شناسی چنین مینگارد :

علاوه این مسئله که در تاریخ [illegible] مربوط بسکه [illegible] گرفته است در اینجا ذکر میکنیم : بررسی این [illegible] شکنج غازی است . اگر [illegible] سکه را که [illegible] موجود است [illegible] که در بهرامشاه بن داود [illegible] (و در آن [illegible] است [illegible] سکه [illegible] . این [illegible] در [illegible] در نصف اول قرن ششم هجرت در ارزنجان سلطنت کرده و بعد از او پسرش داود اول گذشته است و بعد داود پسر فخرالدین بهرامشاه جانشین شده است . [illegible] که [illegible] موجود است [illegible] بهرامشاه است که از طرف [illegible] غازی [illegible] تاریخ این سکه ۶۱۶ بوده است [illegible] سکه [illegible] تا سال ۶۲۲ [illegible] سال حکومت کرده است . پس از بهرامشاه پسرش داود شاه [illegible] از وی [illegible] علاءالدین [illegible] در [illegible] حکومت [illegible] .)

در صفحه ۱۱۳ [illegible] سلیمان شاه [illegible] بهرامشاه داماد [illegible] قلج [illegible] بود .

و در حاشیه این صفحه [illegible] المراد [illegible] تنظیم کرده [illegible] است .

[illegible] صفحه ۳۰ [illegible]

تتمه از صفحه ۴۴

رکن الدین

بهرامشاه داماد سلیمانشاه بود [illegible] داماد بهرامشاه ممدوح [illegible] مجد الدین [illegible] در صفحه ۱۵۴ [illegible] که [illegible] ال [illegible]

تصحیح این [illegible] تقریبا بیست صفحه [illegible] این به تصحیح تاریخ [illegible] عقد [illegible]

و مجلس عقد صدر الدین [illegible] بوده [illegible] الصداق [illegible] هزار [illegible] بوده است. [illegible]

[illegible] و خطبه [illegible] که: الحمد لله [illegible] و المصطفی رسوله [illegible]

کتاب الله [illegible] (... [illegible])

انکحه صاحب تاریخ [illegible] ملک [illegible] باشد [illegible]

زیرا [illegible] میگوید: [illegible] راست [illegible]

[illegible] است.

خاصه من این اتصال خیلی بعید است اگر فخرالدین بهرامشاه در سال ۵۹۹ [illegible] و در سال ۶۱۶ [illegible] که تا سال ۶۳۲ [illegible] کرده است اگرچه [illegible] مجلد ۱۲ ابن اثیر [illegible] (... [illegible]) [illegible] بهرامشاه [illegible] نقل در [illegible] صفحه ۲۱) ملک فخرالدین بهرامشاه که داماد سلطان سلیمانشاه و از جمله ملوک [illegible] بود [illegible] و حسن سیرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کتاب مخزن الاسرار [illegible] نام او [illegible] پنج هزار دینار [illegible] هزار [illegible] ذکر.

نظامی

مدت نظم مخزن الاسرار معلوم نیست که [illegible] طول کشیده باشد ولی [illegible] که در آن کتاب [illegible] و خوش از اشعار خود [illegible]:

(۱) خیز نظامی ز حد افزون گری / بر دل خونابه شان خون گری
روز خوش عمر به شب خوش رسید / خاک به آب [illegible]
صبح بر آمد چه نشینی چو خواب / گر سر دیدار گذشت آفتاب
چشمه مهتاب تو [illegible] / [illegible] سیراب تو [illegible]

و در جای دیگر [illegible] در جوانی [illegible] اگر [illegible] قصه [illegible]

(۲) [illegible] است [illegible]

(۱) چاپ طهران صفحه ۲۷
(۲) صفحه ۱۵

تاریخ تحریر مخزن الاسرار

این کتاب مستطاب را به فخرالدین بهرامشاه بن داود بن [illegible] (امیر ارزنجان) [illegible] نوشته شده است و تقدیم آن به [illegible]

در زمان حیات و بعد از حیات نیز مذکور شده مسلم نیست . اشکال در تعیین تاریخ است . ترجمه حال نظامی

مدارک اول نظامی : تاریخ تحریر اتمام این کتاب را در ۵۵۲ در [illegible] در شش سال تمام کرده است

و این تعیین مدت به ملاحظه حسب بیان بوده است که تصور کرده شروع به این کتاب در زمان حیات بهرامشاه

غزنوی بوده است در صورتیکه [illegible] نظامی در این شعر نامه [illegible] بهرامشاه

آن بهرام [illegible] سکه رونق [illegible] این بوده است که [illegible] سلجوقی گفته

هم سلجوقی گفته و در حق بهرامشاه غزنوی گفته [illegible] بهرامشاه [illegible] . [illegible] سوم سکه دو :

گرچه در آن سکه سخن چون زر است سکه زر من ز زر آن بهتر است [illegible]

و در حاشیه تاریخ به ختم کتاب [illegible]

[illegible]

[illegible] (۹۸۷) [illegible]

[illegible] . [illegible]

[illegible] (و چون تعیین تاریخ) در صفحه ۹ [illegible]

[illegible] تاریخ [illegible] کتاب [illegible]

[illegible]

[illegible] تاریخ [illegible]

[illegible] : (رجوع بصفحه ۹۶ شود) [illegible]

[illegible]

[illegible]

اتمام کتاب را در حدود ۵۰۰ نوشته است بدانیم و اگر چنانچه نوشته های یک راجع بدانیم که تاریخ جلوس بهرامشاه
در ۵۹۵ بوده است از فوت بهرامشاه [illegible] که تاریخ اتمام کتاب در حدود سال [illegible] بوده باشد زیرا
[illegible] در [illegible] تاریخ نظم کتاب [illegible] از چند سال [illegible] بود [illegible]
[illegible] که کتاب [illegible] بعد [illegible] کتاب [illegible] ۵۰۰ باشد .

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] .

[illegible] در خصوص بهرامشاه است این بهرامشاه [illegible] نوشته [illegible] سلطان شاه بود
و [illegible] غیاث الدین [illegible] و [illegible] الدین [illegible] در ۵۸۸ [illegible] سال [illegible]
[illegible] بهرامشاه [illegible] الدین [illegible] شاه [illegible] الدین [illegible]
[illegible] در حدود ۶۰۰ [illegible]
[illegible] غیاث الدین [illegible]
[illegible] (۶۰۱ — ۶۰۶)
[illegible] شاه [illegible] رفت [illegible]
[illegible] . [illegible] بهرامشاه امیر [illegible]
[illegible] الصدور [illegible] غیاث الدین [illegible] الصدور [illegible]

در زمان غیاث الدین امیرشاه [illegible] بود . [illegible] است
که بهرامشاه [illegible] سلطان غیاث الدین [illegible] الصدور [illegible]
[illegible] غیاث الدین [illegible] غیاث الدین امیرشاه [illegible]
[illegible] شود .

[illegible] [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] . [illegible] کتاب [illegible] ۵۵۰ [illegible]
[illegible] .

حسن و حسین

در تاریخ اتمام کتاب در نسخه چاپی دکتر والدوم چنین میگوید: گذشت از هجرت هفتصد و دو سال ز روز لوح
خداوندگار حسین خان در نسخه خطی قدیم گلزار گذشت از هجرت هفتصد و شش سال ز روز لوح خداوندگار حسین خان
با یقین در چند جای دیگر خواندم و دانستم از اینکه کتاب خطی چاپ در نظر دارم که نسخه متن که بوده است: گذشت از هجرت هفتصد
و هفتاد و ده سال . . . . . در نسخه خطی ۱۲۲۱ گذشت از هجرت هفتصد و شش سال
در نسخه چاپ طهران گذشت از هجرت هفتصد و شش سال[1] . در نسخه چاپ بمبئی ۱۳۲۸ گذشته از هفتصد و هفتاد
و شش سال . . . . .

نسخه چاپی قدیمی تاریخ ندارد . در یک نسخه خطی دیگر ۱۲۶۸ چنین است :
گذشت از هجرت هفتصد و هفتاد و یک سال ز روز خط خداوندگار حسین خان

قصه رساله تحفه قزل ارسلان در نسخه چاپی دکتر والدوم نیست .

تحقیق در وجه تسمیه کتاب در همه نسخ موجود است: دیباچه این کتاب در تذکره الیتیم در اینجا با چند نسخه خطی مطابق شد .

تحقیقات سعید نفیسی در ادبیات ... ص ۱۷۱



(۱)
صفحه ۲۰۴

لیلی مجنون

تاریخ لیلی مجنون در یک نسخه خطی که [illegible] قطعه [illegible] و [illegible] تاریخ ندارد و [illegible] کتاب لیلی مجنون است
خط [illegible] [illegible] [illegible] (اصل [illegible] که داندم) [illegible]

این [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بودی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] در تاریخ رجب [illegible] [illegible] و دال [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
تاریخ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و در نسخه دیگر [illegible] [illegible] که داندم تاریخ ۹

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مصراع [illegible] اول [illegible] [illegible] [illegible] دیگر مصراع [illegible]
[illegible] است در تاریخ رجب [illegible] دال [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible]. و در نسخه خطی [illegible] در تاریخ رجب [illegible] دال [illegible]
خطی ۱۲۶۸ [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] در تاریخ رجب [illegible] دال
[illegible] کتاب لیلی مجنون نسخه خطی [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
در نسخه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است.

در نسخه خطی ۱۲۶۸ [illegible] [illegible] [illegible] است.

در نسخه خطی ۱۲۳۱ این [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

در نسخه خطی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حکایت [illegible] [illegible] [illegible].

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] این [illegible] [illegible] [illegible]. . این [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کتاب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible].

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] لیلی مجنون [illegible] [illegible] داندم چون [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ~~[illegible] [illegible] [illegible]~~ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]: [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
در نسخه خطی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]. در نسخه ۱۲۶۸ [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ص ۲۲۳
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در نسخه ۷۵۴ [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

لیلی مجنون را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است.

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ص ۲۰۱ — تاریخ نظم لیلی مجنون [illegible] ص ۳۰۷

اسم نظامی الیاس

در لیلی مجنون که دو جا اسم خود را برده یک جا ~~نظامی~~ و یک جا: یا رب تو مرا که الیاس نامم

و در نسخهٔ خطی ... که دو جا اسم ... یا رب تو مرا که ~~...~~ نامم .

در نسخهٔ خطی ۱۳۶۲ یا رب تو مرا که ... نامم

در نسخهٔ خطی ... یا رب تو مرا ... نامم

در نسخهٔ چاپی صفحه ۲۲۳ (لیلی مجنون) در خط نظامی ار نهی گام بینی عدد هزار و یک نام

والیاس کالف بری ز لامش هم با نود و نه است نامش ز اینگونه هزار و یک حصارم با

کم یک سلاح دارم . در نسخهٔ خطی والیاس کالف بری ز پیش هم با نود و نه است گامش ...

والیاس کالف بری ز لامش هم با نود و نه است نامش ... لیلی ... ص ۲۲۳ لیلی

والیاس کالف بری ز لامش هم با نود و نه است نامش ... — در ... تمام ... نامم

اسم پدر نظامی

یوسف زکی مؤید لیلی مجنون ۲۲۴ — در نسخهٔ ... ص ۶۷ ...

اسم مادر نظامی: کرد مادر رئیسهٔ کرد و در نسخهٔ ... لیلی مجنون (۲۲۴) ... خطی ...



جد نظامی

در نسخهٔ ص ۶۸ ... —

بهره طلاق

ایل مجلس ص ۲۲۲ میزان حق‌الثبت برات از قرار به نسبت کرایه بروند رجوع شود

طلاق خلع و مبارات به نرده و برات (ایل مجلس ص ۲۲۲) کرایه کم قبل برات . . . .

اعلان طلاق

ایل مجلس ص ۲۲۳ (در مورد طلاق کتبی) رجوع شود — ارشاد الحجج ص ۶۹



کتاب [illegible] شاه‌نامه

این کتاب بنام که گفته شده تقریباً [illegible] [illegible] شاه و بوده است [illegible] [illegible] شاه و [illegible]

در نسخه [illegible] طهران [illegible] ۱۳۱۷ [illegible] در مدح [illegible] شاه علاءالملک علاءالدین حافظ ناصر زمان و زمین —

شاه قزل ارسلان گرگیر [illegible] ارسلان تاج و گاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

در نسخه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سلطان ندارد .

در نسخه [illegible] [illegible] هر سه [illegible] [illegible] شاه [illegible] ارسلان گرگیر [illegible] ارسلان تاج و گاه

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ندارد

در نسخه خطی ۱۲۳۱ هجری [illegible] [illegible] [illegible] در مدح [illegible] [illegible] علاءالدین [illegible] ارسلان)

[illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] ارسلان گرگیر [illegible] ارسلان تاج و گاه

در نسخه خطی ۱۲۶۸ [illegible] علاءالملک علاءالدین . . . . . شاه قزل ارسلان گرگیر

[illegible] ارسلان تاج و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ندارد

در یک نسخه خطی [illegible] تاریخ تحریر ۷۵۴ است در [illegible] [illegible] [illegible] (در مدح [illegible] علاءالدین ارسلان)

[illegible] [illegible] است علاءالملک علاءالدین حافظ و ناصر زمان و زمین . شاه [illegible] ارسلان گرگیر

[illegible] ارسلان تاج و گاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] شاه [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] نصرة‌الدین [illegible] [illegible] محمد : [illegible] [illegible] :

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] . . . .

[illegible] [illegible] [illegible] نصرة‌الدین [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] محمد

[illegible] علاءالملک علاءالدین حافظ و ناصر زمان و زمین

[illegible] شاه قزل ارسلان گرگیر [illegible] ارسلان تاج و گاه

[illegible] شاه [illegible] ارسلان گرگیر [illegible]

[illegible] کتاب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] این شاهنامه را [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible])

۵ — [illegible] [illegible] [illegible] نصرة‌الدین [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] ارسلان

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]



[illegible] [illegible] [illegible] . .

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] نصرة‌الدین [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

۶ — تاریخ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

نسخهٔ کاملی هم که ظاهراً مجدداً از بهترین و صحیح‌ترین و خوش‌خط‌ترین نسخ است

که تا امروز [illegible] دیده‌ایم است. این نسخه در سال ۱۰۶۳ [illegible]

[illegible] کتابت آن [illegible]

[illegible] [illegible] رابع [illegible] [illegible] :

به لفظ و بیاض [illegible] خواب [illegible]

[illegible] کتاب [illegible] در اول [illegible] : [illegible]

[illegible] [illegible] . [illegible] شده است

واضح است که [illegible] نسخ اتفاق کرده است [illegible]

[illegible] : [illegible] [illegible]

و اگر [illegible] این قطع [illegible] به خط [illegible] و اگر [illegible] است

[illegible] [illegible] [illegible]

بیشتر از [illegible] تاریخ تحریر کتاب [illegible] است

[illegible] : [illegible]

۳۳

۳۲

[illegible] : [illegible]

[illegible] [illegible]

دیگر نسخهٔ خطی [illegible] ۱۰۵۶ ~~[illegible]~~

[illegible] در تاریخ کتاب [illegible] :

[illegible] [illegible] [illegible]

دیگر نسخهٔ [illegible] [illegible] :

در این کتاب [illegible] [illegible] کردم [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

ختم بهرام‌نامه در سنه ۷۵۴ چون مراد است قضا در کوه البرز ... به نگارگری کرد

از پس پانصد و نود و سه قران گفتم این نامه را چو نامه‌وران روز بر چارده ز ماه صیام

چار ساعت ز روز رفته تمام.

(نسخهٔ چاپی در اول کتاب شرحی از پادشاه که بعد از نظامی ... می‌کند ذیب ... ندارد از آن جمله داستان شهزاده نیز نیست.)

نسخهٔ چاپی علاءالدین خان تاریخ ختم کتاب همان است که ز پس پانصد و سه قران ...

حمل ۱۲۹۱ از پس پانصد و نود و سه قران گفتم این نامه را به هجرت

حفظ ... آن ۷۵۴ است.

نسخهٔ چاپی نیز همین طور را

نسخهٔ چاپی دکن والده ... بهرام‌نامه را نام آورده.

از ... ص ۳۰۹ تا آخر.



۳ — لیلی مجنون — شروع: ... نام ... جهان تابم

زان شب که جهان چراغ است روشنی دیگر در خیال است هر دو نسخه

... بهر

در تاریخ ... بهرام را دو شیرین نهد در صوف ملک نو بهر

... شیرین ... دوستی را پادشاه در اول ... دهد ... شیرین

از تعلیل ... و ... در ... آمده ... نو بهر ... هم بهر

در تاریخ کتاب ... در ... در دو ... آمد او ... تدوین

در اول در اول کتاب ... نظم کتاب ... : ... بهر ...

در تاریخ رجب ... تاریخ ... که ... و ... بوده ...

راجع ... در ... ذکر ... دیگر ... است.

او کتاب ... است لیلی مجنون ... آثار ... مجنون

... که در اول ... ایشان ... شرح ... سنه ...

... السنة ... الثانی

شرف نامه

سعید نفیسی در مجله ارمغان صفحه ۵۷۲ شماره ۹ – ۱۰ سال پنجم می‌نویسد:

این مثنوی را نظامی بنام اتابک جهان پهلوان ملک نصرة الدین مسعود بن جهان پهلوان سروده

چنانچه خطاب می‌کند: جهان پهلوان نصرة الدین که هست / بر اعدای خود چون ملک چیره دست

اگر شه ملکشاه را بود شاه جهان / که سر برنهادی در این دودمان / گر او دوده از شمس برتر شد

رساند ادریسم بچرخ بلند / که دارای بهتر و برتر ز همه‌کس / درین نام را شه ملک اسکی

آقای نفیسی این عبارت را که دیگری نوشته بیان کرده‌اند ... ممدوح این شاه است

باقی اشعار را ... در اول کتاب در سرآغاز ... که می‌نویسد ... حصه

نقل کلام به ممدوح ... از خدمت این پیر ... دیگر ... ابدا اسم

نصرة الدین نمی‌برد و نام ممدوح خود نیز ذکر نمی‌کند و در نسخه‌ها خطی نیست بیت بطور

اگر شه ملکشاه جهان / که سر بر آلپ در این ملک را / و در نسخه چاپی و الادوار ایلدگز است

اگر شه ملکشاه جهان / که سر بر باشی در این ملکشان

نفیسی‌ام آقای نفیسی اسم نصرة الدین را از نامه مسعود و خود نوشت اتابک خوانده ... مسعود نبوده

... در تعریف ... صفحه ۳۳۵ ... که شیخ ... که داده ... بیت ... است

در آن صفحه این بیت ... اثر ... که در ... شاه ... است

این شعر ... است زیرا ... است و ... هم ... است

۳۵

و باز در مدح ممدوح در قصه ... بخرد می‌گوید! ... که اگر آن هم ... در

به پیش بخرد ... در کار ... نکوید ... بخرد ... گنجشک ... شکند ...

اگر چه این ... خداوند ... که ... در ... نکند ... اقدام ...

ترو ید فتو

به هر صورت ممدوح نظامی در این کتاب هر که است ... این بیت را می‌گوید: اگر شه ... شاه جهان ...

... در ... است – در این کتاب ... صفحه ۲۲ ... شاهزاده

چنین ... که ... شاهزاده ... و ... فرزند ...

چون این ... است در ... که ~~...~~ ... باشد

نام شرف نامه در ارمغان صفحه ۵۰۹ آمده

تمام شرف نامه در ~~...~~ ... در مدح شاه کرده: ... تاریخ ...

... این نامه را ... که تا ... در ... خطی ... است

... در ~~...~~ ... ۱۲۲۱ خطی ... است ... کتاب ...

... شاه ... این نامه ... تاریخ ...

... است ... است.

آقای [illegible]

در اواخر کتاب [illegible] قصیده‌ای را که در مدح شاه [illegible] کرده است به طور [illegible] نوشته‌اند [illegible] آن را [illegible] [illegible]

و همین قسمت در اواخر کتاب [illegible] نیز با اندک تغییری موجود است ~~[illegible]~~ که در ضمیمه [illegible] هم موجود است که در ترجمه خطی ۱۵۰۴

ابیات ذیل را دارد: طرف دار رهی برده‌ای [illegible] سرفرازان گردنکشان [illegible]

[illegible] جو [illegible] ... جو [illegible] [illegible]

[illegible] جهان [illegible] شاه [illegible] ارسلان که [illegible] روان [illegible] بدان [illegible]

جز [illegible] جو [illegible] خواهی کن

در [illegible] ص ۷۵ طرف دار رهی برده‌ای . . . . جو [illegible] ~~[illegible]~~ دادد

[illegible] [illegible] [illegible] : جهان [illegible] . .

را ندارد .

در [illegible] خطی ۱۲۶۸ [illegible] ~~[illegible]~~ . . . . طرف دار رهی برده‌ای . . . . . .

را ندارد و [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] خطی ۷۵۴ است [illegible]

[illegible] که [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] [illegible]

[illegible] . . . جهان [illegible] ارسلان . . . . .

بدان [illegible] که [illegible] . . . .

تاریخ ختم کتاب را ندارد و [illegible] شاه در اواخر کتاب [illegible] است که در [illegible] تمام [illegible]

[illegible] که دارد [illegible] مدوح [illegible] است در [illegible] .

[illegible] در صفحه ۶۰۴ [illegible] که این کتاب را [illegible] [illegible] جهان [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] کرده است . [illegible] است [illegible] [illegible] که این [illegible] کتاب [illegible]

در [illegible] مدوح این کتاب [illegible] [illegible] [illegible] است و [illegible] [illegible] [illegible] .

اشارهٔ [illegible] سلطان

[illegible] جداگانه [illegible] دانست. در رساله ایضاً ص ۱۵۵

[illegible] سلطان

در رساله ص ۱۵۵ ایضاً. (و در [illegible] سلطان ص ۱۵۶ ایضاً)



عمر سلطان

در رساله ص ۱۵۷ [illegible] تاریخ [illegible]

دگرگونه [illegible] ص ۲۴۳۹

وفات سلطان

در رساله ص ۱۵۹ [illegible].

[illegible] ۶۸ و ۱۲ [illegible].

مرقد سلطان

در رساله ص ۱۶۰

اردستان نام ص ۱۶۳

که در نمای خطی ربع رفیت .

اندرو نظامی

راجع به ترکیبی درادونوف نامه نمونه‌ها ۴۴ ب رووده

آثار نظامی

ص ۱۶۵ ارستان — خمسه نظامی ۱۶۵ ترتیب کتابها ص ۱۶۶ عده اشعار ۱۶۶

مخزن الاسرار ۱۶۷

شبیه به مخصص شعر نظامی و درویش

امیر نظامی گنجوی بین ارانشهر ص ۱۶۴ ارستان

[illegible] :

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
گفت عشق تو راه کی برانده مرا [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
دانه گندم او [illegible]	[illegible]
نی چو گندم شده‌ام از غم او دل بدو نیم [illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
=	=	[illegible]
=	[illegible]	[illegible]

Урожай Драгант

	месяц и число	Трепание	1й сорт		2й сорт		3й сорт		4й сорт - расчистка	
			Колич.	Вес	Колич.	Вес	Колич.	Вес	Колич.	Вес

33